

تبیین رابطه شهرنشینی شتابان با ایدئولوژی اقتصادی حکومت در مدیریت سیاسی فضای ملی^۱

ابوالفضل کاوندی کاتب^{۱*}، محمدرضا حافظ‌نیا^۲

۱- پژوهشگر فرادکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

دریافت: ۹۹/۵/۱۲ پذیرش: ۹۹/۸/۱۷

چکیده

از مسائل مهم در مدیریت سیاسی فضای ملی هر کشوری، توزیع جغرافیایی جمعیت بر حسب نظام سکونتگاهی آن کشور (شهر و روستا) و میزان تمرکز و پخش جمعیت در آن‌هاست. شهرنشینی پدیده‌ای پرشتاب طی نیم قرن اخیر بوده و امروز بیش از ۵۵٪ از جمعیت جهان شهرنشین هستند. در این مقاله، ضمن مطالعه روند تاریخی افزایش جمعیت شهرنشین کشورهای جهان در چهار مقطع زمانی از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ م، به دلایل و زمینه‌های این موضوع، از دیدگاه مدیریت سیاسی فضا می‌پردازیم. نویسندگان معتقدند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، بیش از آنکه ناشی از تحولات اجتماعی - اقتصادی باشد، حاصل تحولات سیاسی و به‌ویژه خواست حکومت، به‌منظور دستیابی به اهداف حاکمیتی است. این تحقیق با تأکید بر ایران، دلایلی چون جهانی‌شدن، رشد اقتصادی، آموزش، تمرکز امکانات، بی‌توجهی به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی را از عوامل مهم تأثیرگذار در فرایند شهری شدن دانسته و در پایان با ارائه «نظریه دولت، شهرنشینی متمرکز و بقا»، نقش دولت را به واسطه عللی چون سهولت در خدمات رسانی، بزرگ‌تر کردن اندازه دولت، ایجاد وابستگی مرکز - پیرامونی، بقا و امنیت ملی و بی‌تدبیری و بی‌برنامگی در مدیریت سیاسی فضای ملی، پررنگ‌تر می‌داند.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی، مدیریت سیاسی فضا، ایدئولوژی اقتصادی، جهان و ایران.

۱ این مقاله برگرفته از پژوهش فرادکتری در رشته جغرافیای سیاسی با عنوان «تدوین استراتژی اولویت‌های مدیریت سیاسی فضا در ج.ا.ایران» است که با حمایت صندوق حمایت از فناوران و نوآوران معاونت علمی ریاست جمهوری در دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.

E-mail: akkateb@gmail.com

*نویسنده‌ی مسئول:



۱- مقدمه

یکی از مسائل مهم در مدیریت سیاسی فضای ملی هر کشوری، توزیع جغرافیایی جمعیت برحسب نظام سکونتگاهی حاکم بر آن کشور (شهر، روستا و...) و نیز میزان تمرکز و پخش جمعیت در آن‌هاست. آنچه آمارها از واقعیت‌های حاکم بر جهان امروز نشان می‌دهند، گویای آن است که میزان شهرنشینی در جهان پس از نیمه دوم قرن بیستم، نه تنها افزایش یافته (در سال ۲۰۰۷م جمعیت شهرنشین جهان بیش از ۵۰٪ شد)، بلکه روزبه‌روز در حال افزایش است. این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شتابان است. شهرنشینی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی دوره کنونی بشر است (تودارو، ۱۳۶۶: ۳۷۵؛ نوایخش و فتحی، ۱۳۸۶: ۱؛ میرآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۰۶؛ Pacione, 2009: 68). جهانی با حداکثر جمعیت روستانشین تا نیم قرن گذشته، امروز تبدیل به جهانی شهری شده است. این روند نه تنها مکان فیزیکی جمعیت را تحت تأثیر قرار داده، بلکه در ساماندهی و اجرای زندگی اقتصادی و اجتماعی بسیاری از مردم کره زمین تأثیر گذاشته است (Pacione, 2009: 68). بر این اساس، مقاله حاضر تلاش دارد تا ضمن مطالعه روند شهرنشینی در ایران و جهان طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰م، به دلایل و زمینه‌های اثرگذار در افزایش پرشتاب جمعیت شهرنشین بپردازد.

دیدگاه‌های بسیاری در ارتباط با چرایی، چگونگی و چیستی شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه ارائه شده و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، صنعتی شدن و جهانی شدن از دلایل آن ذکر شده‌اند؛ اما می‌توان عوامل مهم‌تری را در حوزه‌های سیاسی، حاکمیتی و جغرافیایی نیز شناسایی کرده و ارائه داد. از جمله با دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا که نقش قدرت را در رشد شهرنشینی برجسته‌تر می‌داند و یا نظریه «توسعه برون‌زا» که به بحث از نظام سرمایه‌داری و ماهیت شهرگرا بودن این نظام اشاره دارد و پیامدهای منفی آن در ممالک جهان سوم از جمله ایران را تشریح می‌کند (پیران، ۱۳۶۸: ۴۹-۴۵). تأکید این مقاله بر شناسایی و تبیین نظری نقش و انگیزه نظام و حاکمیت سیاسی در جریان رشد شهرنشینی است. اینکه حکومت‌ها تا چه اندازه از روند شهرنشینی در کشور خود آگاه و این موضوع برای آنان چه میزان خوشایند بوده و نیز شهرنشینی، استراتژی از پیش تعیین شده‌ای بود و یا کشورها به‌طور ناخودآگاه دچار آن شده‌اند. همچنین با وجودی که رشد شتابان شهرنشینی با انواعی از آسیب‌ها برای کشورهای در حال توسعه همراه بوده، چرا کشورها در کنترل شهرنشینی دخالتی ندارند و گاه هم‌زمان از آن حمایت کرده و برای آنان خوشایند است. بنابراین، درک استراتژی کشورها و به‌ویژه ایران در مدیریت نظام سکونتگاهی کشور با تأکید بر توسعه و جمعیت‌پذیری

شهرها و خالی شدن روستاها از سکنه، دلایلی دارند که این مقاله به دنبال تبیین آنها از دیدگاه جغرافیای سیاسی و مدیریت سیاسی فضا است.

۲- مبانی نظری

شهر بخشی از یک کشور و جزیره‌ای درون آن است. شهرها با توجه به مراکز تجاری، حومه‌های ثروتمند، محله‌های فقیرنشین، حلبی‌آبادها و محله‌های ممنوعه‌شان، دارای جغرافیای سیاسی مخصوص به خود هستند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۳۹). شهرها سیستم‌های پیچیده انسانی هستند و همچون آهن‌ربا برای مردم، تشکیلات اقتصادی و فرهنگ عمل می‌کنند (Singh, 2015: v). امروزه شهرها نقش‌آفرینی‌های مستقلی پیدا کرده‌اند؛ اما استقلال نقش‌آفرینی شهرهای گسترش‌یافته، استقلال اقتصادی است و از نظر سیاسی این شهرها همچنان در چهارچوب نظام حکومتی کشور، زندگی می‌کنند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۵۵). شهرنشینی شتابان و گسترده در کشورهای در حال توسعه، بیش از آنکه فرصت‌زا و توسعه‌گرا باشد، آسیب‌زا و ضد توسعه است؛ روند شهرنشینی حاکی از برتری استراتژی شهرنشینی در برابر روستاگرایی است. لذا شهرها باید به صورت کارآمد و مؤثری مطالعه و اداره شوند تا محلی مساعد شهرنشینی به عنوان سهم فزاینده جمعیت ساکن در مناطق شهری (Konuk and Others, 2016: 232; Bodo, 2019: 32) و متعاقب آن افزایش سرانه انرژی و مصرف منابع و تغییرات گسترده در چشم‌انداز اطلاق می‌شود (McDonnell and Pickett, 1990: 1232-1236). در این فرایند، تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی به وجود می‌آید که حاصل تغییرات اجتماعی، نوگرایی و افزایش تمرکز و تراکم جمعیت است (شکویی، ۱۳۹۰: ۷۵). شهرنشینی در مناطق مختلف جهان، حاصل کنش‌های پیچیده عناصر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، صنعتی شدن، جغرافیایی و فرهنگی جهانی و محلی است (بردی آنامراد نژاد، ۱۳۹۵: ۹۴؛ کلارک، ۱۳۸۳: ۸۹)؛ پدیده‌ای که مختص به یک کشور یا منطقه خاص نیست و در سراسر جهان با شدت‌های متفاوت در شرف وقوع است (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۲۹؛ Bodo, 2019: 32).

برای ارتقای یک محیط پایدار را فراهم سازند (Jusoh and Rashid, 2008: 443). به‌طور کلی، چهار مورد دلیل رشد جمعیت شهرنشینی است؛ رشد طبیعی جمعیت شهری، مهاجرت به دلیل جذابیت‌های شهری، طبقه‌بندی مجدد شهرها (رشد مناطق روستایی و تبدیل آن به شهر) و پیوستن قلمروهای جدید به شهرها که اغلب نقاط روستایی حاشیه شهرهاست (آری‌آگا، ۱۳۷۸: ۳۴۸؛ شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲؛ اوپرای، ۱۳۷۰: ۲۹-۳۰؛ Mayhew,



1997). دو عامل افزایش طبیعی جمعیت شهری و مهاجرت خالص به مناطق شهری بیشترین اهمیت را دارند (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۳۰؛ اوبرای، ۱۳۷۰: ۲۹-۳۰؛ ۷۱: Pacione, 2009؛ Bodo, 2019: 39-40؛ Singh, 2015: 160؛ اما برخی مهاجرت روستاییان (chen and Others, 2014: 11؛ Singh, 2015: 160) و برخی رشد طبیعی جمعیت شهری را مهم‌تر دانسته‌اند (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۳۰؛ اوبرای، ۱۳۷۰: ۳۰ و ۸۲). برای توسعه شهرنشینی در کشورهای مختلف نمی‌توان الگوی کلی به دست داد (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۲۹). چنانچه برای ایران هر دو عامل مؤثر عمل کرده‌اند (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱۸-۱۸۷). از آنجا که نرخ و درصد رشد جمعیت شهرها، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه بیشتر از رشد طبیعی است، مهاجرت می‌تواند مهم‌ترین عامل باشد.

رشد گسترده شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه، یک پدیده غیرقابل کنترل و دارای پیامدهای گوناگونی است که زمینه‌ساز دشواری‌ها و آسیب‌های اجتماعی فراوانی شده است (کامروا، ۱۳۷۳: ۶۷؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۰؛ ابراهیم‌زاده و نصیری، ۱۳۸۶: ۲۴۰). نگرانی از وضعیت توسعه پایدار شهرها و پیامدهای منفی شهرنشینی همچون گسترش بی‌برنامه شهرها، فرسودگی زیرساخت‌های شهری، افزایش قاچاق و هدررفت منابع طبیعی و انسانی (Singh, 2015: ۷)، ناهنجاری‌های کالبدی، ناهنجاری‌های تأسیساتی، آسیب‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی (علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۰)، پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه‌نشینی گسترده، بیکاری پنهان، پیدایش دوگانگی شبکه‌های اجتماعی مهاجران در شهرها (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۳۱)، مسکن نامناسب، توسعه زاغه‌های شهری، فقر، بهداشت نامناسب و گسترش بیماری‌ها، زباله و آلودگی‌های زیست محیطی، بیکاری، جرائم شهری (Bodo, 2019: 40-41؛ Gumus, 2004: 1-18)، فقر غذایی، بحران و شورش در شهرها (Ozden and Enwere, 2012: 99)، گسترش شهری و از بین رفتن زمین‌های ارزشمند کشاورزی (Yeh, 2002: 1-8)، تغییرات آب‌وهوا و آلودگی هوا، مدیریت پسماندهای شهری، آبرسانی، انرژی ناکافی، مشکلات بهداشت عمومی، فشار بر روی زیستگاه‌های طبیعی، ترافیک، تكدی‌گری، تشکیل شهرهای خوابگاهی، افزایش بزهکاری، ناسازگاری‌های فرهنگی و درنهایت مداخله بیشتر دولت و افزایش اندازه آن (گوپتا، ۲۰۰۰: ۶ و ۷).

افزایش جمعیت شهرنشین، مشخص‌کننده توسعه‌یافتگی کشور و مدرن‌شدن الگوهای زیست از یک سو و رونق بخش صنعت و خدمات از سوی دیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۰۹). شهرها، نیروی محرکه توسعه و رشد اقتصادی کشورها هستند. درآمد بیشتر، بهبود سلامتی، زندگی بهتر، همگی نشان‌دهنده دلایل رشد شهرنشینی هستند (فرهنگ‌دوست، ۱۳۹۷: ۹۰).

رابطه بین شهرنشینی و توسعه در سطح جهان نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از توسعه کشورها به وسیله متغیر شهرنشینی قابل تبیین است (نوابخش و فتحی، ۱۳۸۶: ۱۱). بنابراین به رغم وجود مشکلات و نارسایی‌ها در اوضاع خدمات و امکانات، بهداشت، درمان و حتی زیرساخت شهرها، کماکان زندگی در شهر و جریان شهرنشینی شدن با استقبال روبه‌روست (میرآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۲۴)؛ چراکه مناطق شهری برای یافتن امکانات و کارکردهای اداری مناسب‌تر برای مردم مساعدتر (Konuk and Others, 2016: 232) و با تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها، دسترسی گسترده به خدمات آموزشی، درمانی، فرهنگی و زیرساخت‌های شهری و... فراهم‌تر است (جواهری پور و داورپناه، ۱۳۸۱: ۸۳).

ایدئولوژی اقتصادی بیانگر دیدگاه‌های بنیادین حاکم بر نظام اقتصادی و چگونگی اداره اقتصادی کشورهاست. انواع گوناگونی از ایدئولوژی‌های اقتصادی همچون راهبردهای کاپیتالیستی، لیبرالیسم، نئولیبرالیسم، سوسیالیست و ...، با مبانی فکری، اهداف و ابزارهای گوناگون در شکل بخشی به فضای جغرافیایی و استراتژی‌های مدیریت سیاسی فضا به‌ویژه در سطح ملی تأثیرات عمیق و قابل ملاحظه‌ای دارند. تغییرات در رشد و شکل شهرنشینی سبب شده تا تأثیرگذاری‌های متفاوت هر یک از ایدئولوژی‌ها در نظام مدیریت سیاسی فضا نمود متفاوت و بارزتری داشته باشد. از این گذشته، رشد شهر و شهرنشینی در چهارچوب مفهوم فضا و تحولات فضایی طی دهه‌های اخیر، رویکردهای گوناگونی را دربرداشته و از مهم‌ترین این رویکردها، توجه به عنصر قدرت در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضاست که مباحثی همچون اقتصاد سیاسی فضا را شکل داده است. اقتصاد سیاسی فضا به کشف الگوهای فضایی فرایند تولید، توزیع، مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل بخشی به فضاست (پیران، ۱۳۷۰: ۷۸). در همین راستا، اقتصاد سیاسی فضا در ایران، به مفهوم شهرنشینی در رابطه با شیوه تولید و توزیع اقتصاد متکی به نفت و آنگاه شکل‌گیری فضای شهری غیرمولد می‌پردازد و مفاهیم شهرنشینی، ساخت اجتماعی و اقتصادی و مدیریت متمرکز سیاسی در ایران را در این چهارچوب تبیین و بررسی می‌کند. اقتصاد سیاسی فضا با نگاه انتقادی به نظام و مناسبات سرمایه‌داری در کشورهای متکی به اقتصاد نفتی، مؤلفه‌های فضایی منبعث از نظام سرمایه‌داری از جمله سوداگری در تولید فضا و به تبع آن جدایی‌گزینی‌های فضایی در شهرها را برجسته‌تر می‌بیند (ایمانی‌شاملو و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۰۴). پژوهش‌ها و مقالات متعددی با این دیدگاه ارائه شده که هر یک بر عنصر سیاست و قدرت در شکل بخشی به فضای جغرافیایی کشورها تأکید دارند. از جمله پرویز پیران (۱۳۷۰) در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی (مکتب اقتصاد سیاسی فضا)»، حاتم‌زاده و عبدی (۱۳۸۶) در



مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد سیاسی و فضای شهری» و ایمانی و رفیعان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «قدرت و بازتعریف برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا)»، بر رویکردهای اقتصاد سیاسی و نقش مؤلفه‌های سیاسی (قدرت) در رشد شهرنشینی شتابان اشاره کرده‌اند.

۳- روش تحقیق

پرسش اصلی مقاله آن است که چه دلایلی سبب افزایش شهرنشینی و گرایش به آن در کشورها طی نیم‌قرن اخیر شده است. این موضوع با تأکید بر کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. معلول و متغییر وابسته پژوهش، رشد شهرنشینی و متغیرهای مستقل و تأثیرگذار بر این عامل با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و نیز با استفاده از روش استدلال، کشف و تحلیل خواهند شد و از دیدگاه جغرافیای سیاسی و مدیریت سیاسی فضای ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بنابراین، با این فرض پیش می‌رویم که عواملی چون ایدئولوژی اقتصادی، جهانی شدن و نقش حاکمیت سیاسی و ملی در مواجهه با مسائلی چون بقا و امنیت داخلی و ملی نقش مهم‌تری داشته‌اند. روش تحقیق این مقاله، توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای است. بخشی از منابع پژوهش، داده‌های جمعیت و جمعیت شهرنشین کشورهای جهان در چهار مقطع زمانی ۱۹۶۰، ۱۹۸۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۲۰ م است که با یکدیگر مقایسه شده‌اند.^۱ این داده‌ها شامل: تعداد جمعیت کشور، تعداد جمعیت شهرنشین و تعداد جمعیت شهرهای بیش از ۳۰۰ هزار نفر کشورهاست. مرجع داده‌ها، بخش امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد^۲ است.^۳ برای محاسبه درصد رشد، رتبه‌بندی و محاسبه فرمول‌ها، از نرم‌افزار EXCEL استفاده شد. با توجه به حجم داده‌ها، نتایج حاصل از محاسبات به کمک آمار توصیفی پس از تنظیم و طبقه‌بندی، به صورت نقشه و جدول درآمد و در نهایت استدلال و ارزیابی شد. پس از محاسبه تغییرات جمعیتی طی چهار دوره و نیز آگاهی از استراتژی‌هایی که کشورها در مدیریت نظام شهری خود

۱ همه آمارهای جمعیتی کشورها و شهرهای جهان که در این مقاله آمده، به صورت خام از سایت سازمان ملل متحد، بخش امور اقتصادی و اجتماعی، استخراج شده است (<https://population.un.org/wpp>). اما تحلیل و ارائه آمارها به صورت رتبه‌بندی، میانگین، درصد، محاسبات و... توسط نویسندگان و بنا به اهداف این مقاله انجام شده است.

2. Department of Economic and Social Affairs

۳ <https://population.un.org/wpp/>

در پیش گرفته‌اند، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به کشف دلایل افزایش جمعیت شهرنشین، در مقایسه با دیگر الگوهای سکونتگاهی در نظام مدیریت سیاسی فضای ملی کشورها پرداختیم. تعداد ۱۸۰ کشور مستقل جهان در این مقاله بررسی شدند. در پایان از دیدگاه جغرافیای سیاسی و مدیریت سیاسی فضا «نظریه دولت، شهرنشینی متمرکز و بقا» از سوی نویسندگان ارائه گردید.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- جمعیت شهرنشین کشورها

در سال ۱۹۶۰م جمعیت شهرنشین جهان، ۳۳٫۸٪ از جمعیت جهان بود. این میزان در سال ۱۹۸۰م ۳۹٫۳٪، در سال ۲۰۰۰م ۴۶٫۷٪، در سال ۲۰۲۰م ۵۶٪ و پیشی‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۵ به ۶۲٫۵٪ برسد. این یعنی تغییرات جمعیتی که همراه با افزایش جمعیت در جهان رخ داده، رشد شهرها و شهرنشینی را نشانه گرفته است. بیشترین تغییرات در کشورهای آسیایی و آفریقایی رخ می‌دهند. بنابراین استراتژی کشورها در جهان، شهری کردن زندگی اجتماعی است. در مقایسه میان کشورها، میزان تغییرات بافت جمعیتی از الگوهایی چون روستایی و عشایری به شهری، متفاوت و گاه این تغییرات فاحش است.

در سال ۱۹۶۰م، ۴۶ کشور، درصد جمعیت شهرنشین‌شان بیش از جمعیت روستانین آن‌ها بود. بیشتر این کشورها در اروپا، آمریکا، اقیانوسیه و کشورهای کوچکی مانند کویت و قطر بودند. جدا از کشور - شهرهایی مانند سنگاپور و موناکو، کشورهایی مانند بلژیک، استرالیا، بریتانیا، اروگوئه و نیوزیلند با جمعیتی بیش از ۷۵٪ شهرنشین رکورددار بودند. با این تفاسیر، ۶٫۷ درصد کشورها (۱۲ کشور)، جمعیت شهرنشین‌شان بیش از ۷۵٪، ۱۸٫۹٪ (۳۴ کشور) بین ۵۰ تا ۷۵٪، ۳۶٫۷٪ (۶۶ کشور) بین ۲۵ تا ۵۰ و ۳۷٫۸٪ (۶۸ کشور) کمتر از ۲۵٪ جمعیت‌شان شهرنشین بود. کمترین جمعیت شهرنشین، بیشتر در کشورهای آفریقایی و آسیایی مانند بروندي، رواندا، بوتسوانا، نپال و بوتان مشاهده می‌شد. ایران با ۳۳٫۷٪ جمعیت شهرنشین در سال ۱۹۶۰م، رتبه ۸۹ جهان را داشت. در منطقه نیز کشورهایی مانند سوریه، مصر، لبنان و عراق درصد شهرنشینی بیش از ایران و ترکیه و عربستان کمتر از ایران داشتند.

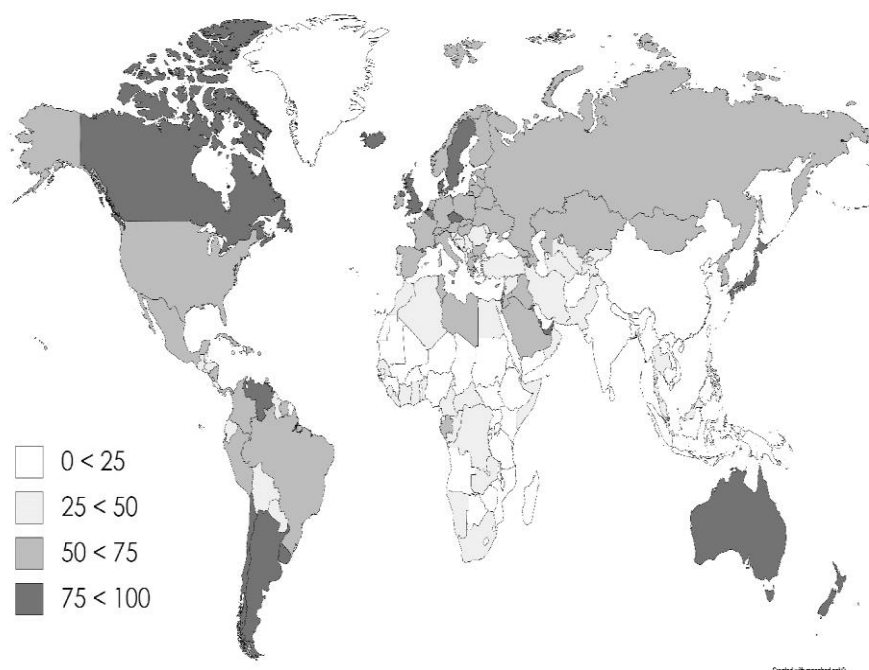


شکل ۱. درصد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان در سال ۱۹۶۰م

در سال ۱۹۸۰م، ۳۲ کشور به جمع کشورهایی که جمعیت شهری بیش از جمعیت روستایی است، پیوستند و تعداد کشورها به عدد ۷۸ (۴۳،۳٪) رسید. بر این اساس، ۱۳،۹٪ کشورها (۲۵ کشور)، جمعیت شهرنشین‌شان بیش از ۷۵٪، ۲۹،۴٪ (۵۳ کشور) بین ۵۰ تا ۷۵٪، ۳۱،۷٪ (۵۷ کشور) بین ۲۵ تا ۵۰ و ۲۵٪ (۴۵ کشور) کمتر از ۲۵٪ جمعیت‌شان شهرنشین بودند. در همین سال ایران، با ۴۹،۷٪ جمعیت شهرنشین، هفتادونهمین کشور شهرنشین دنیا بود.

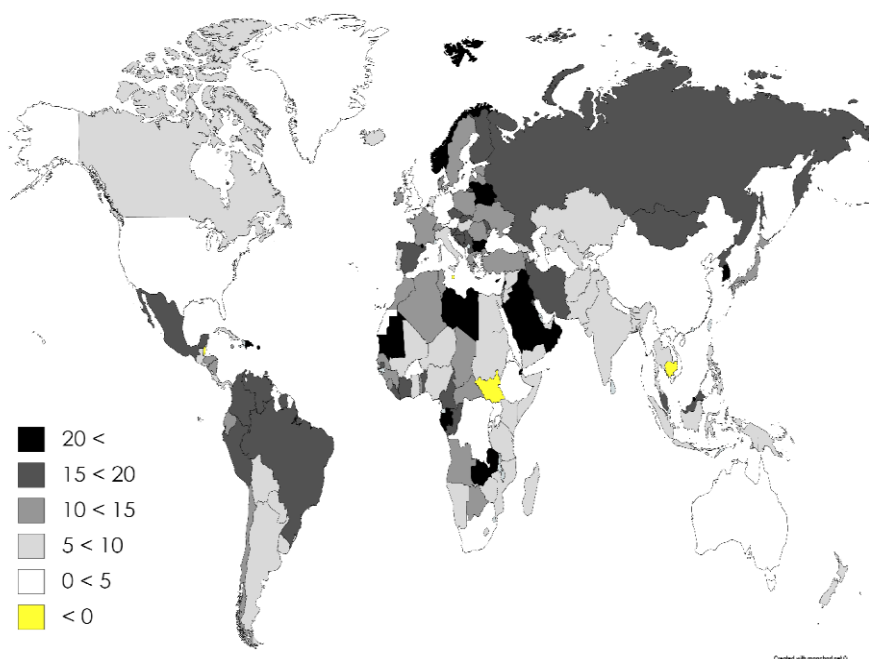
انقشه‌ها در مقاله توسط نگارنده و به کمک سایت اینترنتی زیر طراحی شده است:

<https://mapchart.net/>



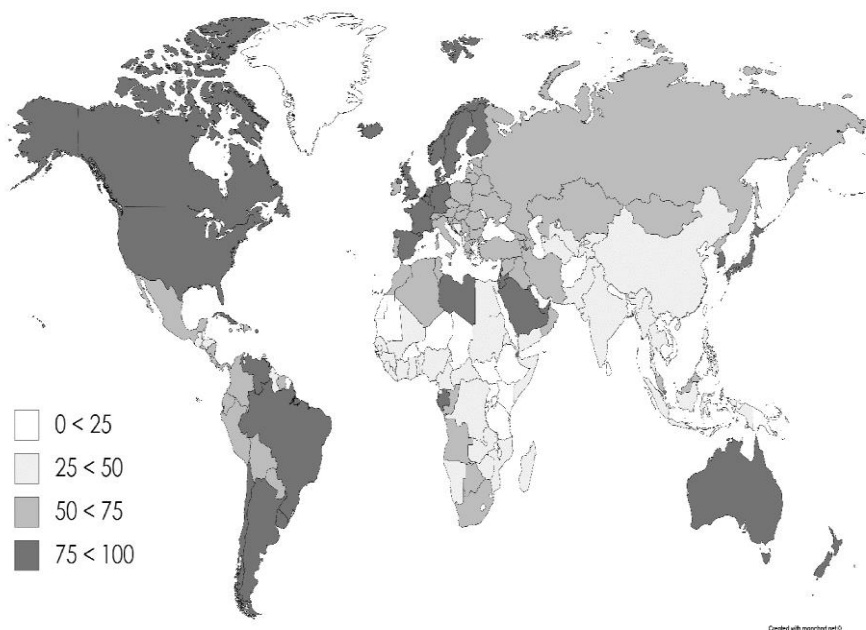
شکل ۲. درصد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان در سال ۱۹۸۰م

طی بیست سال، یعنی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰م، میانگین جهانی افزایش جمعیت شهرنشین ۵٫۵٪ بود. مشاهده تغییرات در کشورهای مختلف، آمارهای متفاوتی را نشان می‌دهد. بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین به ترتیب در کشورهای لیبی (۴۲٫۸٪)، گابن (۳۷٫۳٪) و عربستان (۳۴٫۶٪) مشاهده می‌شود. کشورهای بلژ، لیختن اشتاین، کامبوج، مالت و موناکو نیز در این دوره رشد منفی را تجربه کرده‌اند. ایران در این دوره، با ۱۶٪ افزایش جمعیت شهرنشین نسبت به سال ۱۹۶۰م، چهل‌ونهمین کشوری بود که بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین را تجربه کرد.



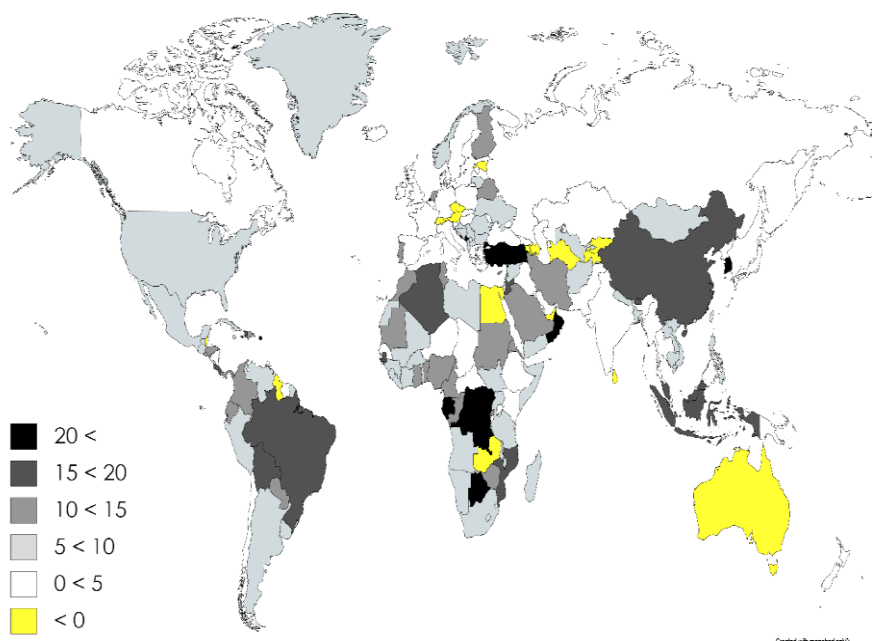
شکل ۳. درصد رشد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰م

در سال ۲۰۰۰م، تعداد کشورهای بیش از ۵۰٪ جمعیت شهرنشین به ۱۰۳ کشور رسید. در این سال، ۲۳،۳٪ کشورها (۴۲ کشور)، جمعیت شهرنشین‌شان بیش از ۷۵٪، ۳۳،۹٪ (۶۱ کشور) بین ۵۰ تا ۷۵٪، ۲۹،۴٪ (۵۳ کشور) بین ۲۵ تا ۵۰ و ۱۳،۳٪ (۲۴ کشور) کمتر از ۲۵٪ بودند. در همین سال، ایران با ۶۴٪ جمعیت شهرنشین، شصت و پنجمین کشور شهرنشین دنیا شد. بنابراین، هم روند شهرنشینی در جهان و هم تعداد کشورهای شهرنشین در این مقطع زمانی نیز در حال افزایش است.



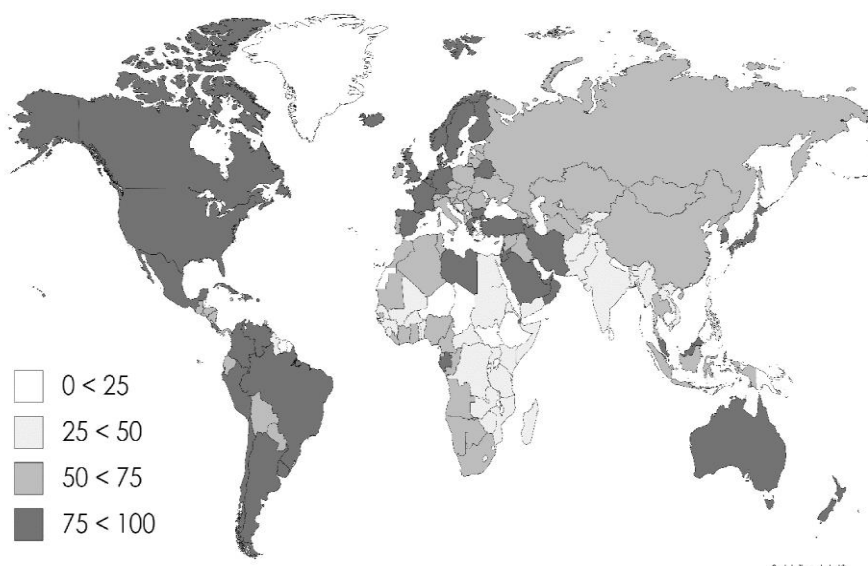
شکل ۴. درصد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان در سال ۲۰۰۰م

طی دوره بیست ساله ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰م، میانگین جهانی افزایش جمعیت شهرنشین ۷,۴٪ بود. بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین در این دوره، به ترتیب در کشورهای بوتسوانا (۳۶,۷٪)، پورتوریکو (۲۶,۶٪) و آنگولا (۲۵,۸٪) مشاهده می‌شود. در این دوره، ۱۹ کشور از جمله تاجیکستان، اتریش، آذربایجان، ارمنستان، استرالیا، مصر، سوئیس و امارات متحده رشد منفی در جمعیت شهرنشین داشتند. اما ایران ۱۴,۳٪ افزایش جمعیت شهرنشین نسبت به سال ۱۹۸۰م داشت و بیست‌وپنجمین کشوری بود که بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین را تجربه کرد.



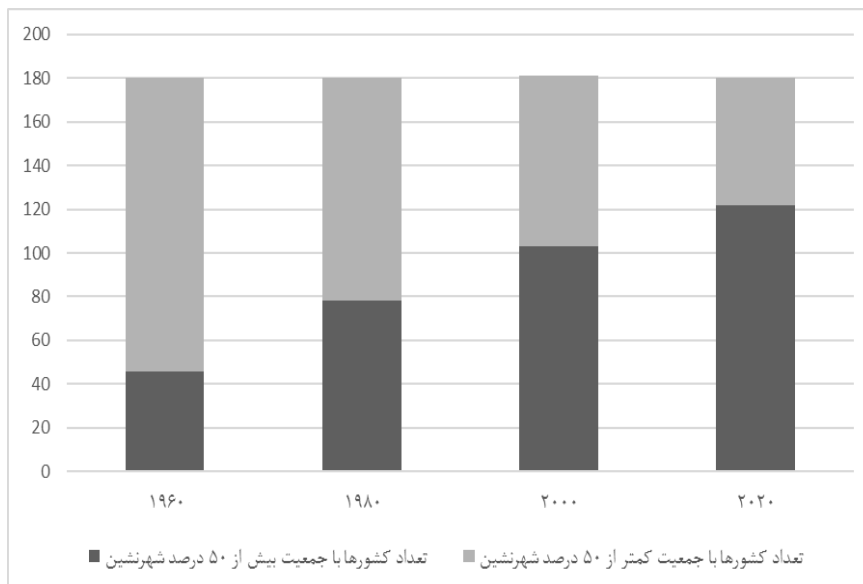
شکل ۵. درصد رشد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ م

در سال ۲۰۲۰، جهان شاهد بیشترین افزایش درصد جمعیت شهرنشین طی ادوار گذشته است. به طوری که درصد جمعیت شهرنشین جهان، در این سال به ۵۶٫۲٪ رسید و تعداد کشورهای بیش از ۵۰٪ جمعیت شهرنشین به ۱۲۲ کشور رسید. در این سال، ۳۰٫۶٪ کشورها (۵۵ کشور)، جمعیت شهرنشین‌شان بیش از ۷۵٪، ۳۷٫۲٪ (۶۷ کشور) بین ۵۰ تا ۷۵٪، ۲۴٫۴٪ (۴۴ کشور) بین ۲۵ تا ۵۰ و ۷٫۸٪ (۱۴ کشور) کمتر از ۲۵٪ بودند. در این سال ایران با ۷۵٫۹٪ جمعیت شهرنشین، پنجاه و چهارمین کشور شهرنشین دنیاست. علاوه بر آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند، بسیاری از کشورهای خاورمیانه، کره جنوبی، مالزی و برخی کشورهای آفریقایی همچون گابن نیز به فهرست کشورهای با جمعیت شهرنشین بیش از ۷۵٪ افزوده شدند.

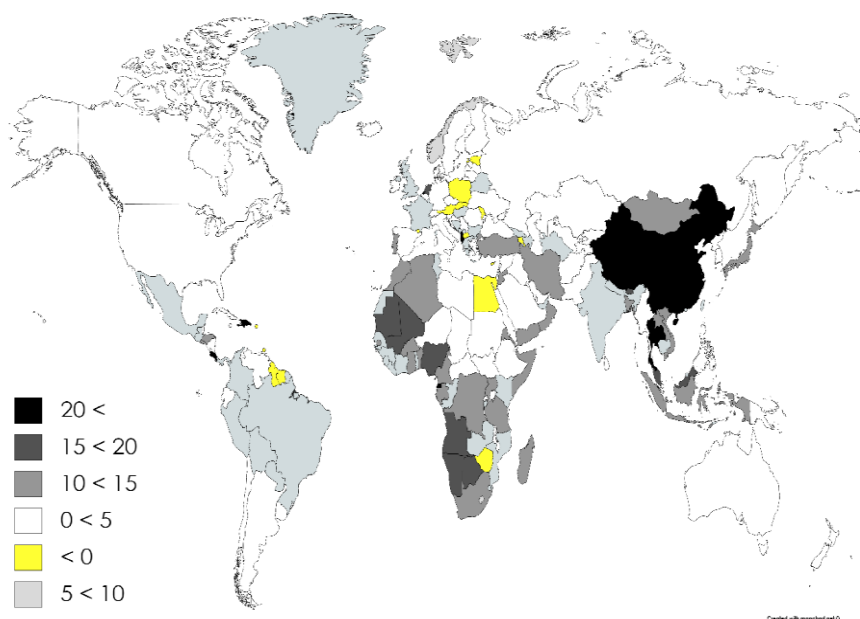


شکل ۶. درصد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان در سال ۲۰۲۰م

میزان تغییرات در دوره بیست ساله ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰م، حاکی از آن است که بیشترین درصد رشد جمعیت شهرنشین جهان (۹,۵٪) در این دوره روی داده است. بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین به ترتیب در کشورهای چین (۲۵,۶٪)، گینه استوایی (۲۴٪) و کاستاریکا (۲۱,۷٪) مشاهده می‌شود. در این دوره ۱۸ کشور از جمله مصر، استونی، ارمنستان، اتریش، زیمبابوه و... رشد منفی در جمعیت شهرنشین داشتند. ایران هم با ۱۱,۸٪ افزایش جمعیت شهرنشین نسبت به سال ۲۰۰۰م، این بار سی‌وهفتمین کشوری بود که بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین را داشت.



شکل ۷. تعداد کشورهای جهان بر اساس حداقل ۵۰٪ جمعیت شهرنشین در چهار مقطع زمانی



شکل ۸. درصد رشد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰م

میزان تغییرات طی شصت سال (از ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی) نشان می‌دهد که ۲۲٫۴٪ به جمعیت شهرنشین جهان نسبت به سال ۱۹۶۰م (۳۳٫۸٪) افزوده شده و اکنون به ۵۶٫۲٪ است. بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین در کشورهای آفریقایی و آسیایی مشاهده می‌شود. گابن (۷۲٫۷٪)، عمان (۶۹٫۹٪)، بوتسوانا (۶۷٫۸٪)، آنگولا (۵۶٫۴٪) و کره جنوبی (۵۳٫۷٪) بیشترین درصد افزایش جمعیت شهرنشین را داشته‌اند. طی نیم قرن اخیر تنها شش کشور بلیز، لیختن اشتاین، اتریش، تاجیکستان، باربادوس و گویان رشد منفی در جمعیت شهرنشین داشتند و ۱۷۴ کشور جهان جمعیت شهرنشین خود را افزایش دادند. ایران با ۴۲٫۱٪ افزایش جمعیت شهرنشین بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰م، با سرعت شهرنشینی بالاتر از میانگین جهانی، بیست و چهارمین کشور جهان است. این موضوع گویای استراتژی ایران برای شهری‌سازی جمعیت کشور است. بالاتر از ایران کشورهای چون الجزایر، کامرون، ترکیه، چین، عربستان و کره جنوبی قرار دارند. آمارها گویای آن است که طی شصت سال، رشد شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته به گندی صورت گرفته و گاه روند طبیعی خود را طی کرده، اما در کشورهای در حال توسعه، این روند رشد شتابانی داشته و پیش‌بینی‌ها، گویای ادامه این روند است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان کشورها را به چهار دسته تقسیم کرد:

(۱) کشورهایی که رشد شتابانی در شهرنشینی داشتند و اساساً شهری‌سازی جمعیت طی نیم قرن اخیر از سیاست‌ها و استراتژی‌های آن‌ها بود؛ در شکل ۹، این کشورها با رنگ تیره مشخص هستند. بیشتر این کشورها در آسیا و آفریقا قرار دارند و شامل ۲۸ کشور از جمله ایران هستند؛ نمی‌توان استراتژی این کشورها را در شهری‌سازی جمعیت، به یک حادثه یا روند طبیعی تشبیه کرد، بلکه حاصل استراتژی حکومت در مدیریت سیاسی فضای ملی بوده است. بیشتر این کشورها الگوهای متمرکزی در مدیریت سیاسی فضا دارند و ترجیح آنان تمرکز جمعیت است. تحول در شهرنشینی معلول نگاه توسعه درون‌زا و تقویت نگاه حاکمیتی، سیاسی و اقتصادی در این کشورهاست. اینکه این تحول به چه میزان توانسته در خدمت توسعه و بقای ملی قرار گیرد، خود می‌تواند موضوع مهمی باشد که این کشورها باید نتایج ناشی از شهرنشینی را برای خود مرور کنند. برای نمونه بسیاری در ایران از روند، میزان و سرعت شهرنشینی اظهار نگرانی می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷؛ نوابخش و فتحی، ۱۳۸۶: ۱۱؛ پورافکاری و دیگران، ۱۳۸۱: ۱-۳۳؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۴؛ نقدی، ۱۳۸۱: ۳۲۱-۳۳۹؛ نظریان، ۱۳۹۰: ۸۵؛ حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۹) و نتیجه آن را توزیع نامتوازن جمعیت و تمرکزگرایی در فضای جغرافیایی می‌دانند.

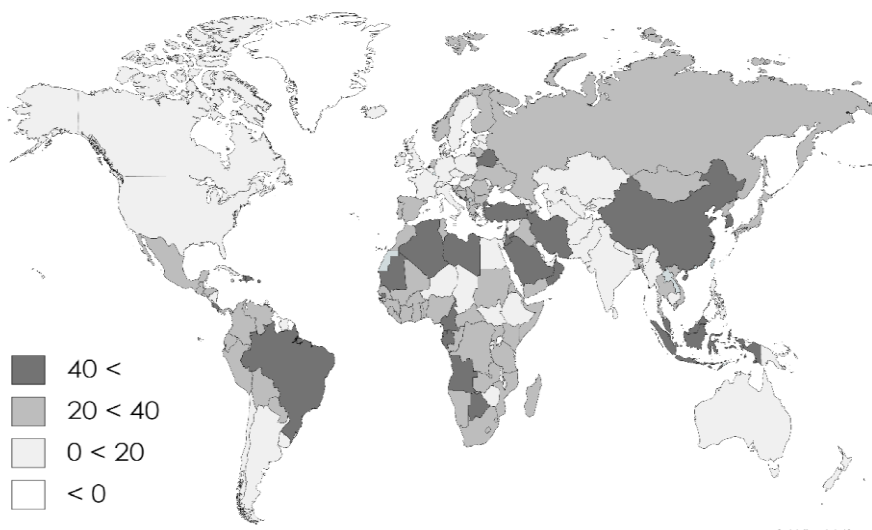


۲) کشورهای که رشد نسبتاً بالایی داشتند شامل ۸۲ کشور، از ۱۸۰ کشور مورد بررسی است. طی دوره مورد مطالعه، ۲۰ تا ۴۰٪ به جمعیت شهرنشین این کشورها افزوده شده است. بیشتر این کشورها در آفریقا، آسیا، اروپای شرقی و آمریکای جنوبی قرار دارند.

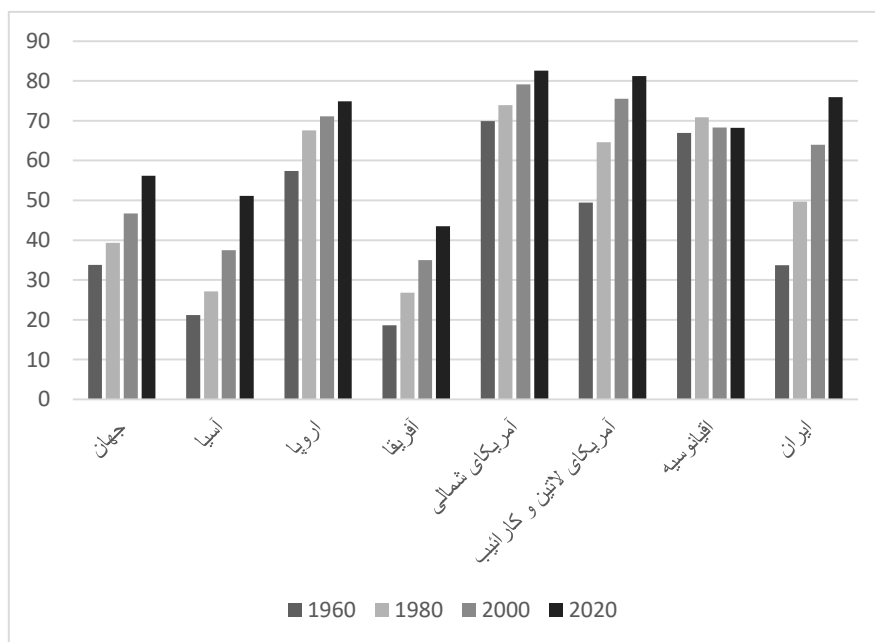
۳) کشورهای که رشد طبیعی داشتند و جمعیت شهرنشین، مسیر رشد خود را به صورت معمول و همسان با رشد جمعیت کشور طی کرده است. افزایش صفر تا بیست درصدی جمعیت شهری نسبت به دوره اول در این کشورها قابل ملاحظه است. به طور کلی، می‌توان این کشورها را به دو دسته تقسیم کرد: نخست کشورهای توسعه‌یافته که به طور سنتی در طول یک قرن اخیر جمعیت شهرنشین بالایی داشتند (آمریکای شمالی، اروپای غربی، استرالیا و ...) و دوم کشورهای در حال توسعه‌ای که همچنان رشد جمعیت شهری با جمعیت روستایی آنان برابری می‌کند (آسیای جنوبی و مرکزی و برخی کشورهای آفریقایی و آسیای جنوب شرقی). ساختار سکونتگاهی کشورهای گروه نخست از ثبات قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، اما گروه دوم با وجود جمعیت فراوان و درصد رشد قابل توجه، همچنان در برابر شهری شدن جمعیت مقاومت می‌کنند و گاه همچون هند و پاکستان سیاست‌های پیش‌گیرانه و استراتژی ثبات جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی را درپیش گرفته‌اند. تکیه بر اقتصاد کشاورزی و سنتی، ناامنی، جغرافیای ویژه و ... می‌تواند از دلایل این کشورها باشد.

۴) کشورهای که رشد منفی داشتند و از درصد جمعیت شهرنشین آن‌ها نسبت به ادوار گذشته کاسته شده است. این کشورها به صورت پراکنده در نقاط مختلف دیده می‌شوند و برجسته‌ترین آن‌ها، اتریش است.

تبیین رابطه شهرنشینی شتابان با ایدئولوژی... ابوالفضل کاوندی کاتب و همکار



شکل ۹. درصد رشد جمعیت شهرنشین کشورهای جهان طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰م



شکل ۱۰. مقایسه درصد جمعیت شهری ایران و جهان، در چهار مقطع زمانی



۴-۲- اندازه شهرها

جمعیت شهری جهان در شهرهایی با اندازه‌های مختلف، از شهرهای کوچک با چند هزار نفر جمعیت تا ابرشهرهایی با جمعیت ده‌ها میلیونی توزیع می‌شود (Pacione, 2009: 72). در توزیع جهانی این شهرها در سال ۲۰۲۰م، می‌توان گفت، تعداد شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر جمعیت، بالغ بر ۱۸۶۰ شهر و مجموع ساکنان این شهرها بالغ بر ۲/۵۶۸/۹۸۶/۰۰۰ نفر می‌شود. این یعنی ۵۸٫۷٪ از جمعیت شهرنشین جهان در ۱۸۶۰ نقطه جمعیتی بالای ۳۰۰ هزار نفر و ۴۱٫۳٪ در شهرهایی کمتر از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت زندگی می‌کنند. همچنین شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر، ۳۳٪ از جمعیت جهان را به خود اختصاص می‌دهند و شهرهای زیر ۳۰۰ هزار نفر، ۲۳٪ از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند. بنابراین علاوه بر اینکه گرایش به زندگی شهری در میان مردم جهان گسترش پیدا کرده و نیز استراتژی کشورهای بر آن شده تا جمعیت کشورهاشان را شهرنشین کنند، گرایش به تمرکز حداکثری جمعیت در نقاط شهری نیز افزایش یافته است. این موضوع نقش و اهمیت ایدئولوژی‌های کاپیتالیسم، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم را در جهان آشکارتر می‌کند. نقش و قدرت فزاینده شهرهای جهانی و پرجمعیت، می‌تواند ناشی از نگاه جهانی‌سازی نیز باشد که آن هم معلول همین ایدئولوژی‌هاست.

مقایسه میان سال‌های ۱۹۶۰ و ۲۰۲۰م گویای آن است که شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر رو به ازدیاد هستند و سهم قابل توجهی از جمعیت جهان (نزدیک به ۲۵٪) را به خود اختصاص می‌دهند. این یعنی یک‌چهارم از جمعیت جهان در شهرهای بالای یک میلیون نفر (۵۷۹شهر) زندگی می‌کنند. آمار کشورها در تعداد شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر نیز قابل توجه است. از میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی، ۱۵۳ کشور در سال ۲۰۲۰م دارای شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر جمعیت هستند. چین با ۴۲۴ شهر رکورددار بیشترین تعداد شهر است. پس از چین، هند (۱۸۱شهر)، ایالات متحده آمریکا (۱۴۴شهر)، روسیه (۶۶شهر)، برزیل (۵۹شهر)، مکزیک (۵۴شهر)، نیجریه (۵۰شهر)، اندونزی و ژاپن (۳۳شهر)، ایتالیا (۳۲شهر)، فلیپین (۳۱شهر) و ایران و بریتانیا (۲۸شهر) قرار دارند.

جدول شماره ۱. تعداد شهرها و درصد جمعیت ساکن در آنها

سال				
۲۰۲۰	۲۰۰۰	۱۹۸۰	۱۹۶۰	
۹	۱	۱	۰	تعداد شهرهای بالای ۲۰ میلیون نفر
۲۵	۱۵	۴	۳	تعداد شهرهای بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر
۵۱	۳۰	۱۹	۹	تعداد شهرهای بین ۵ تا ۱۰ میلیون نفر
۴۹۴	۳۲۵	۱۷۴	۹۳	تعداد شهرهای بین ۱ تا ۵ میلیون نفر
۶۲۷	۳۹۵	۲۴۸	۱۳۳	تعداد شهرهای بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر
۶۵۴	۵۱۲	۲۸۶	۱۸۱	تعداد شهرهای بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر
۱۸۶۰	۱۲۷۸	۷۳۳	۴۱۹	مجموع تعداد شهرهای جهان
۳۳	۲۵,۲	۱۸,۹	۱۴,۵	درصد جمعیت ساکن در شهرهای بیش از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت نسبت به جمعیت جهان
۲۳,۲	۲۱,۵	۲۰,۴	۱۹,۳	درصد جمعیت ساکن در شهرهای کمتر از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت نسبت به جمعیت جهان
۵۶,۲	۴۶,۷	۳۹,۳	۳۳,۸	جمع درصد جمعیت شهرنشین جهان
۵۸,۷	۵۴	۴۸	۴۳,۱	درصد جمعیت ساکن در شهرهای بیش از ۳۰۰ هزار نفر نسبت به جمعیت شهرنشین جهان
۴۱,۳	۴۶	۵۲	۵۶,۹	درصد جمعیت ساکن در شهرهای کمتر از ۳۰۰ هزار نفر نسبت به جمعیت شهرنشین جهان

منبع: تنظیم شده بر اساس داده‌های جمعیتی بخش امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

۴-۳- استراتژی شهرهای کوچک یا بزرگ

در مدیریت سیاسی فضای ملی، این استراتژی حکومت‌ها که توسعه کدام شهرها برای آنها اهمیت دارد، مهم است. برتری زیاد شهرهای بزرگ و رشد سریع آنها عموماً رشد شهرهای کوچک را کند و یا دچار رکود می‌کند (کلارک، ۱۳۸۳: ۹۹). رشد شتابان شهرها و جمعیت شهرنشین و توزیع نامتعادل و ناموزون جمعیت شهری در شبکه شهرها از عوامل اصلی بروز آسیب‌های اجتماعی است (علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۲). در تقسیماتی که سازمان ملل متحد از شهرها انجام داده، شمار سکنة شهرها معیار طبقه‌بندی است. بر این اساس، شهرهایی که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارند مگاشهر هستند، شهرهای بزرگ بین ۵ تا ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارند، شهرهای متوسط ۱ تا ۵ میلیون نفر و شهرهای ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر شهرهای نسبتاً کوچک و شهرهای کمتر از ۳۰۰ هزار نفر شهرهای کوچک به‌شمار می‌آیند (United Nations, 2019: 55). برای سنجش استراتژی کشورها در ایجاد و توسعه شهرهای بیشتر و یا کمتر از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت، درصد جمعیت شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر جمعیت را از

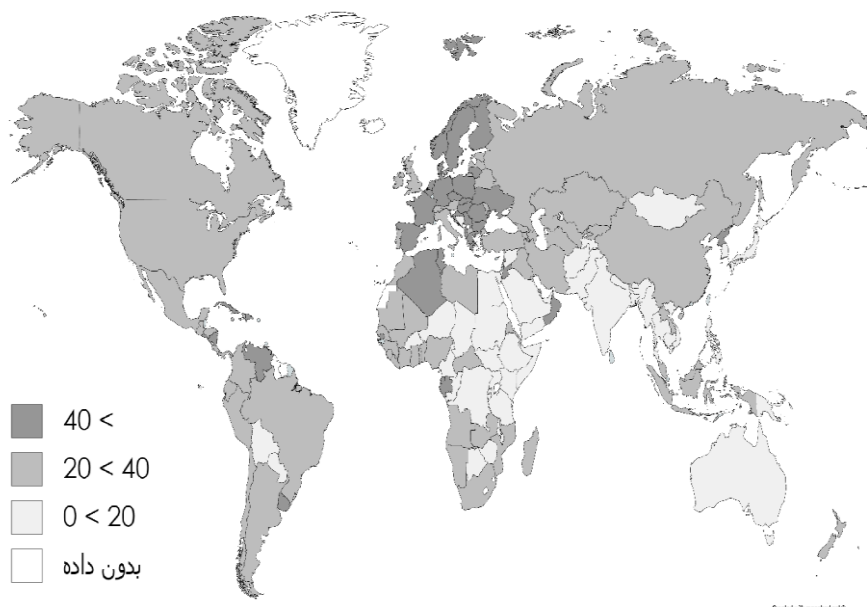


مجموع درصد جمعیت شهرنشین در کشورها کسر کرده و عدد به‌دست‌آمده هر چه بزرگ‌تر باشد، نشان می‌دهد که اولویت و استراتژی کشورها، هم‌زمان با توسعه شهرهای بزرگ، تقسیم جمعیت در همه پهنه سرزمین و ایجاد شهرهای کوچک نیز می‌باشد. به عکس عدد به‌دست‌آمده هر چه کوچکتر باشد، نشان‌دهنده توزیع نامتوازن جمعیت و تأکید بر استراتژی تمرکز جمعیت شهری در شهرهای محدود و معدود است. بر این اساس، می‌توان کشورها را به سه دسته تقسیم کرد:

(۱) استراتژی توزیع جمعیتی و توسعه شهرهای کوچک: در این استراتژی، بیش از ۴۰٪ از جمعیت شهرنشین، در شهرهای کوچک‌تر از ۳۰۰ هزار نفر زندگی می‌کنند. بیشتر کشورهای اروپایی و برخی از کشورها همچون الجزایر، تونس، اروگوئه و در مجموع ۳۹ کشور در این طبقه‌بندی جای می‌گیرند. هلند با فاصله ۷۰ درصدی، دانمارک با فاصله ۶۵ درصدی و نروژ با فاصله ۶۴ درصدی میان شهرهای بزرگ و شهرهای کمتر از ۳۰۰ هزار نفر، در صدر این فهرست قرار دارند. شرایط جغرافیایی، آمایش سرزمین و توزیع متناسب امکانات زیستی، استراتژی توزیع متناسب جمعیت در همه بخش‌های سرزمینی کشور و چالش‌های هویتی و فرهنگی کم، در مقایسه با دیگر کشورها می‌تواند از دلایل این مهم باشد.

(۲) استراتژی میانه: در این استراتژی هم‌زمان با ایجاد شهرهای بزرگ و بیش از ۳۰۰ هزار نفر، توسعه شهرهای کوچک کمتر از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت نیز در دستور کار قرار دارد. لذا بین ۲۰ تا ۴۰٪ از جمعیت شهرنشین این کشورها، در شهرهای کوچک‌تر از ۳۰۰ هزار نفر زندگی می‌کنند. شصت‌وشش کشور جهان، این برنامه را در دستور کار قرار داده‌اند.

(۳) استراتژی تمرکز جمعیت با ایجاد و توسعه حداقل شهرهای کوچک: در این کشورها کمتر از ۲۰٪ از جمعیت شهرنشین، در شهرهای کوچک‌تر از ۳۰۰ هزار نفر زندگی می‌کنند. ترجیح این کشورها، ایجاد شهرهای بزرگ، با جمعیت انبوه و نه توسعه شهرهای کوچک است. تقریباً ۹۰٪ این کشورها در آسیا و آفریقا قرار دارند. محدودیت‌های جغرافیایی، تمرکزگرایی، وسعت، ضعف اقتصادی و ... از دلایلی است که می‌توان برای این کشورها برشمرد.



شکل ۱۱. تقسیم‌بندی کشورهای جهان براساس استراتژی توسعه شهرهای کوچک و بزرگ (هرچه اعداد بزرگ‌تر باشد، ایجاد شهرهای کوچک اهمیت بیشتری دارد)

۴-۴- چرایی گسترش شهرنشینی

شهرنشینی به‌طور مستقیم با نوسازی، صنعتی شدن و فرایند جامعه‌شناختی مبتنی بر خرید، گره خورده است (Gries and Grundman, 2015: 493- 506). اصولاً جابه‌جایی جمعیت و نیروی کار از مکانی به مکان دیگر، بازتاب تحولاتی است که در ساختار اجتماعی - اقتصادی جوامع اتفاق می‌افتد (علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۵؛ Mayhew, 1997). اما به‌طور تاریخی و حتی می‌توان گفت به‌طور طبیعی، افراد گرایش به زندگی شهری دارند. عوامل دافعه در روستا و عوامل جاذب در شهرها، از دلایل اصلی مهاجرت از روستا به شهر است (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۳۳؛ Mazumdar, 1987: 1097- 1128; Kaida, 1992: 220- 221). با این حال، عواملی نیز دخیل هستند که رشد شتابان شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و پس از جنگ جهانی دوم را تقویت کرده است. در این بخش، دلایل و انگیزه‌هایی که موجب گسترش شهرنشینی در جهان شده، از دیدگاه جغرافیای سیاسی و مدیریت سیاسی فضا، مورد بررسی قرار می‌گیرد:



۱) جهانی شدن: پیوند نزدیکی میان جهانی شدن، توسعه شهری و تکامل سیاسی وجود دارد. با ورود اقتصاد جهانی، ملت‌سازی رفته‌رفته مترادف با شهرسازی می‌شود و شهرها به‌عنوان هسته اصلی جامعه جهانی عمل می‌کنند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۴۸). در واقع رشد شهرها، واکنشی به ادغام در اقتصاد جهانی و جهانی شدن است (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۳۱؛ قربانی، ۱۳۹۰: ۹۰؛ Singh, 2015: 342). در این میان نظریه وابستگی جهانی، با این دیدگاه که رشد شهرهای کشورهای در حال توسعه ناشی از ادغام در نظام جهانی است، بر این موضوع تأکید دارد (Bodo, 2019: 40; Sonntag, 2001).

۲) رشد اقتصادی: رشد شهرنشینی با ارتقای شاخص‌های اقتصادی در ارتباط است (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۳۶؛ حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۰۹؛ میرآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۲۳؛ فرهنگ‌دوست، ۱۳۹۷: ۹۰؛ حیدری و عبدالعلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۸-۷۷؛ حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳: ۹؛ Zhao and Wang, 2015: 5609; Schuffar, 2008: 88-110; Harris, 1988: 103-120). به این معنا، که هم شهرنشینی بر رشد و توسعه اقتصادی اثر گذاشته و هم رشد اقتصادی، سرعت جابه‌جایی‌های جمعیتی از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را فراهم می‌سازد. بنابراین سیاست‌های شهرنشینی جمعیت، با هدف تقویت رشد اقتصادی، به طور گسترده در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود (Pugh, 1995: 381-398; Hope, 1998: 345-358; Henderson, 2003: 47; Chen and Others, 2014: 1-15). این سیاست، تحت تأثیر ایدئولوژی اقتصادی حکومت‌ها به ویژه راهبرد کاپیتالیستی و لیبرالیسم و نئولیبرالیسم اقتصادی آن‌هاست. در مقابل بسیاری معتقدند، این اتفاق تنها در کشورهای توسعه‌یافته روی داده و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه نتوانسته به رشد اقتصادی کمک کند و حتی آن را تحت تأثیر قرار داده است (شیعه، ۱۳۷۸: ۱۰۷؛ قربانی، ۱۳۹۰: ۹۰؛ Chen and Others, 2014: 1-15; Shabu, 2010: 30-36; Fhang Lo, 2010: 1-25). از دید این افراد، لزوماً شهرنشینی و سرعت آن، به معنای رشد اقتصادی در همه کشورهای نیست (Chen and Others, 2014: 1-15; Shabu, 2010: 30-36). حتی گفته شده، شهر به‌عنوان یک کاتالیزور در رشد اقتصادی، تعریفی سنتی است (Singh, 2015: v). در مقاله‌ای که به بررسی رابطه بین شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای آسه آن طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴ پرداخته، این نتیجه‌گیری صورت گرفته که شهرنشینی به آستانه‌ای می‌رسد که پس از آن می‌تواند مانع از رشد اقتصادی شود (Nguyen and dang, 2018). در پژوهش دیگری آمده که منافع اقتصادی لزوماً منجر به شهرنشینی نمی‌شود و برخی کشورها مانند کره جنوبی و چین استثنا هستند (Chen and Others, 2014: 12). شهرنشینی هر چند ممکن است باعث رشد اقتصادی و بهبود

معیشت مردم شود، اما می‌تواند باعث افزایش مصرف انرژی و ایجاد بحران انرژی نیز بشود (Zhao and Wang, 2015: 5609). حتی در کشور پاکستان، دولت تلاش دارد تا همچنان روند شهری‌شدن جمعیت را کنترل کند؛ چراکه اقتصاد پاکستان همچنان به کشاورزی وابسته است (Kugelman, 2013: 1-7).

۳) آموزش: رشد آموزش و افزایش آگاهی‌های جامعه، دلیلی بر افزایش شهرنشینی است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵۰؛ حیدری و عبدالعلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۷۷-۹۸؛ Meng and others, 2013: 227-244؛ 244). در واقع شهرنشینی، فرایندی خودخواسته و خودانگیخته از سوی مردم تلقی می‌شود که به سوی شهرنشینی گرایش پیدا می‌کنند. بُعد دیگر آنکه کیفیت آموزش در مناطق شهری به‌طور کلی بالاتر از مناطق روستایی است؛ لذا آموزش هم باعث شهرنشینی بیشتر و هم عامل جاذب برای مهاجران از روستا به شهرهاست (Konuk and Others, 2016: 232). در واقع یک دلیل مهم مهاجرت به شهرها، دسترسی گسترده به خدمات آموزشی است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵۰؛ جواهری‌پور و داورپناه، ۱۳۸۱: ۸۳).

۴) تمرکز امکانات و به‌ویژه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در شهرها: تمرکز دولتی و تمرکز در ارائه خدمات، امکانات و فعالیت‌های اقتصادی در شهرها، از عوامل گرایش به شهرنشینی است (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۴۱-۶۱؛ کامروا، ۱۳۷۳: ۵۹؛ Braun, 2014). این تمرکز ناشی از سیاست‌های دولت است که امکانات اولیه اجتماعی و فرصت‌های شغلی را فقط در شهرها متمرکز می‌کند و منجر به مهاجرت گسترده از روستا به شهر می‌شود (Bodo, 2019: 42). شهرهای کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود کانون‌های متمرکز اقتصادی، در موقعیت نسبتاً مناسب‌تری از اشتغال و درآمد و افزایش کیفیت زندگی قرار دارند (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۳۵-۱۴۴؛ نوایخش و فتحی، ۱۳۸۶: ۷؛ 1128-1097؛ Mazumdar, 1987). موضوع دیگر پیوند صنعتی‌شدن با شهرنشینی، به‌تبع دوره‌ای است که اروپا در قرن نوزدهم پشت سر گذاشت و طی آن جمعیت شهری در این قاره افزایش یافت. اما تفاوت‌های فاحشی همچون سرعت شهرنشینی بالا در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای اروپایی و صنعتی‌شدن کشورهای در حال توسعه، سبب شده تا موضوع شهرنشینی در هر دو دوره (قرن نوزدهم اروپا و نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه) حتی غیرقابل مقایسه به نظر برسد. به نظر برخی محققان، همچون کلارک (۱۳۸۳: ۹۲)، مشهدی‌زاده دهقانی (۱۳۷۴: ۱۴۸) و عظیمی (۱۳۸۱: ۴۰)، شهری‌شدن جمعیت کشورهای در حال توسعه، نه تحت‌تأثیر صنعتی‌شدن، بلکه برپایه رشد خدمات (تجارت، فعالیت‌های اداری و ...) و اقتصاد تک محصولی حاصل شده که در نتیجه باعث تمرکز جمعیت در دوره‌ای کوتاه شد. برای نمونه، بسیاری از کارشناسان نظام



شهری در ایران، ورود نفت به چرخه نظام اقتصادی کشور را عامل اساسی در توسعه شهرنشینی و ایجاد تمرکز در کشور عنوان می‌کنند (نظریان، ۱۳۹۰: ۸۵؛ میرآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۰۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷؛ نقدی، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۲۱).

۵) بی‌توجهی به روستا: در کشورهای در حال توسعه، شکاف میان شهرنشینان و روستانشینان وحشتناک است (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۰: ۸۶). فشار جمعیتی در مناطق روستایی، بهره‌وری پایین کشاورزی و عوامل دافعه در روستاها، جمعیت را به سوی شهرها سوق می‌دهد (Kaida, 1992: 221). موضوعی که در ایران نیز قابل مشاهده است (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۴۴-۶۱؛ نقدی، ۱۳۸۱: ۳۲۱-۳۳۹؛ نظریان، ۱۳۹۰: ۸۵؛ نوابخش و فتحی، ۱۳۸۶: ۱۱؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۵). بنابراین جمعیت مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه، به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و توسعه‌ای، روبه‌کاهش هستند. این مشکلات ناشی از نبود حکمرانی خوب، فساد گسترده و سوءاستفاده از منابع دولتی از طریق آزادسازی اقتصادی و استراتژی‌های توسعه است که روستاییان از آن سهم اندکی دارند (Ozden and Enwere, 2012: 99). عدم توزیع امکانات آموزشی، بهداشتی، درمانی، شغلی، قیمت نامطمئن و پایین محصولات کشاورزی، حداقل امکانات رفاهی، خشکسالی و ... از عوامل دافعه روستاها و توجیه‌کننده مهاجرت روستاییان به شهرهاست.

۶) سیاست‌گذاری دولت: بیشترین عامل مؤثر در شهرنشینی، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌هاست (کامروا، ۱۳۷۳: ۵۹). در واقع الگوی پخش فرصت‌ها غیرجبری و زاییده سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۵). گرایش مردم به شهرنشینی روندی هدایت شده است که توسط حاکمیت (حکومت و دولت) ترغیب و تشویق می‌شود (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). این سیاست‌ها منجر به ارائه خدمات و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در شهرها و به‌ویژه شهرهای پایتختی می‌گردد (Bodo, 2019: 39-40). پس رشد شهرنشینی ناشی از اصلاحات اساسی و سیاست کشور است (Singh, 2015: 283; Whalley, 2010: 123-135). در عین حال، مشکلات ناشی از نبود حکمرانی خوب، فساد گسترده، آزادسازی اقتصادی، استراتژی‌های توسعه (Ozden and Enwere, 2012: 99)، برنامه‌ریزی ضعیف شهری، تمرکز دولت در توسعه شهرها از طریق پروژه‌های مهم عمرانی در مراکز شهری و ... به رشد بی‌حد و حصر جمعیت در شهرهای کشورهای در حال توسعه کمک کرده و منجر به ایجاد بحران در آن‌ها شده است (Bodo, 2019: 42). به عنوان مثال در ایران، بسیاری سیاست‌های دولت را نتیجه شهرنشینی شتابان دانسته‌اند (نظریان، ۱۳۹۰: ۸۵؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۵۰؛ رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۲؛ نقدی، ۱۳۸۱: ۳۲۱-۳۳۹؛ میرآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۰۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷؛ منوچهری و

رهنمایی، ۱۳۹۸: ۸۵-۱۱۶؛ نوابخش و فتاحی، ۱۳۸۶: ۱۱). دولت از این طریق با نهادینه کردن ساختارهای جدید، عملاً مدیریت‌های کشوری، منطقه‌ای و شهری را در حوزه اقتدار و تصمیم‌گیری خود قرار داده و توانسته از طریق نهادهای قانونی مستقر در شهرها، عملاً اراده حاکمیتی خود را بر جوامع شهری و غیرشهری اعمال نماید (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

۴-۵- نظریه دولت، شهرنشینی متمرکز و بقا

عوامل برشمرده در بالا هر یک دلایلی بودند که در منابع مختلف به آن‌ها اشاره شده و شهرنشینی، معلولی از آن‌ها دانسته شده بود. نویسندگان ضمن پذیرش همه آن‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر در رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، معتقدند که این دلایل، خود معلول عامل مهم‌تری به نام دولت هستند. البته برخی مقالات و کسان به استراتژی دولت‌ها در شهرنشینی پرداخته‌اند و گاه آن را مقدم بر بسیاری از نظریات دانسته‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)، اما اینکه چرا دولت‌ها به شهرنشینی و اسکان و تمرکز جمعیت در نواحی شهری توجه بیشتری دارند، نپرداخته‌اند. دولت بازیگر اصلی در نظام مدیریت سیاسی فضای کشور است و ایدئولوژی اقتصادی به ویژه راهبرد کاپیتالیستی و لیبرالیسم و نئولیبرالیسم اقتصادی اثرگذاری فراوانی بر رشد شتابان شهرنشینی داشته است؛ با این حال، دلایل دولت‌ها برای شهری‌سازی بیشتر فضای جغرافیایی کشور می‌تواند بر اصول زیر مبتنی باشد:

۱) سهولت در خدمات رسانی: دولت به‌جای آن که خود را ملزم کند برای آموزش، توسعه راه‌ها، درمان، بهداشت، تأمین آب شرب، تأمین مسکن و... در سراسر کشور و به یک میزان هزینه کند، با تجمیع جمعیت در نقاط مشخص، جمعیت را به نقاط منتخب، نه براساس برنامه‌ریزی‌های آمایشی که براساس نفوذ و قدرت سیاسی کشانده و آنان را ضمن بهره‌مند کردن از خدمات بی‌کیفیت و حداقلی، کنترل حداکثری می‌نماید؛ این اقدام، به‌طور قطع کم هزینه‌تر، راحت‌تر و سهل‌الوصول‌تر از ارائه خدمات به جزایر پراکنده جمعیتی در سراسر کشور است.

۲) بزرگتر شدن اندازه دولت: پژوهش‌های بسیاری بر این نکته تأکید دارند که شهرنشینی بیشتر، به بزرگتر شدن اندازه دولت منجر می‌شود (گل‌خندان، ۱۳۹۵: ۳۸-۵؛ Jetter and Chirstopher, 2018: 1202- 1228؛ Gupta, 2000: 6- 7؛ Jetter and Parmeter, 2012: 1- 33). این موضوع به‌ویژه هنگامی که دولت نقش‌های آموزشی، درمان و بهداشت، مسائل اجتماعی و... را مدیریت می‌کند، نمایان‌تر است (Jetter and Chirstopher, 2018: 1202- 1228). بنابراین به نظر می‌رسد که کشورهای در حال توسعه، تمایل به رشد اندازه دولت، وابستگی بیشتر مردم به



دولت، تصدی‌گری بیشتر و تسلط بیشتر بر مدیریت سیاسی فضای ملی را از طریق گسترش شهرنشینی داشته باشند.

۳) ایجاد وابستگی مرکز - پیرامونی: شهرهای بزرگ، نقش بارزی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی دارند (نوابخش و فتحی، ۱۳۸۶: ۱۱) و باعث تمرکز فرماندهی و عملکرد نوآورانه در منطقه و کشور می‌شوند (Singh, 2015: 17). لذا شهرهای بزرگ نقش فرماندهی نظام مدیریت سیاسی فضای کشور را بر عهده می‌گیرند و متناسب با سیاست‌گذاری‌ها، جریان‌ها، تحولات و رویدادها، منبع انتشار اهداف ملی، هویت ملی، انگیزه ملی، وحدت ملی و... به سراسر کشور می‌شوند. کشورها، شهری شدن را یک استراتژی در راستای تحکیم وحدت ملی و کنترل بیشتر در نظر می‌گیرند؛ چراکه شهرهای بزرگ، با ایجاد وابستگی پیرامونی (اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اداری و...)، حاکمیت ملی را تضمین می‌کنند. ایجاد شهرهای پرجمعیت و با حضور گسترده‌ای از همه جمعیت‌های ساکن در کشور، به‌طور قطع می‌توانست نقش‌های پررنگ‌تری در وحدت ملی داشته باشد که کشورها بر آن اصرار ورزیده‌اند.

۴) بقا و امنیت ملی: از دیدگاه جغرافیای سیاسی، کشورهای در حال توسعه که بیشتر آن‌ها پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند، نیاز مبرمی به اعمال حاکمیت، تلاش برای بقا و برقراری امنیت داشتند. لذا تمرکز جمعیت و ایجاد شهرهای بزرگ، یک استراتژی برای کنترل و حاکمیت بیشتر بود. برای مثال عربستان با تمرکز و ایجاد شهر بزرگی چون ریاض، کنترل فزاینده‌تر و آسوده‌تری بر سراسر سرزمین ملی خود ایجاد کرد؛ تا اینکه بخواهد جمعیت پراکنده‌ای را در گستره وسیعی از کشور اداره کند. بنابراین به نظر می‌رسد، شهرنشینی بیشتر ناشی از ترس حکومت‌ها از مسائل درونی، درگیری‌های قومی و مذهبی، ذهنیت تاریخی از استعمار، ناتوانی در برقراری استقلال و حاکمیت ملی، تقلید کورکورانه از کشورهای توسعه‌یافته بدون فراهم ساختن بسترهای لازم (برنامه‌ریزی، صنعتی‌شدن، فرهنگ‌سازی و...)، القای تفکر کشورهای استعمارگر به تمرکزسازی جمعیت و نظریه‌هایی همچون مکان‌مرکزی که بر اثرات تمرکز و وسعت یک شهر مرکزی بر شبکه‌های شهری پیرامون، تأکید دارند، شکل گرفت.

۵) بی‌تدبیری و بی‌برنامگی: اگر دولت‌ها خواهان شهرنشینی کردن جمعیت خود بودند، چرا بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه، بدون برنامه‌ریزی جامع گسترش یافتند و امروز با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو هستند؟ اساساً در بسیاری از کشورها، توسعه شهرها جلوتر از توسعه برنامه‌ریزی‌های راهبردی حکومت‌ها در شهرنشینی‌سازی جمعیت حرکت کرده و در نمونه‌های اندکی (برای مثال کشورهای حاشیه خلیج فارس)، توسعه شهری همراه با برنامه‌ریزی

بوده است. این موضوع بیشتر می‌تواند ناشی از محدودیت در منابع مالی و اقتصادی کشورها و امید به اینکه توسعه شهرها بتواند رونق اقتصادی را بعدها ایجاد کند، باشد. همزمان، عدم برنامه‌ریزی‌های جامع و راهبردی در توسعه همه‌جانبه کشور نیز باعث شد تا رشد بخشی و متمرکز با توجه به قدرت سیاسی طیف حداقلی در کشورها شکل بگیرد. کامروا (۱۳۷۳: ۶۳) با این نظر که دولت ایران به عنوان نمونه نتوانسته از روند شهری‌شدن بکاهد معتقد است که شهری‌شدن روندی است که خارج از اختیار دولت روی داده و دولت به‌نوعی خواهان کنترل آن بوده، اما نتوانسته است. حتی اگر بتوان این موضوع را پذیرفت، نقش کم‌رنگ دولت در آمایش سرزمین و آگاهی طولانی مدت از جریان شهرنشینی در نظام مدیریت سیاسی فضای ملی، خارج از کنترل بودن شهرنشینی را لافل در ایران نقض می‌کند.

ردپای همه عوامل پنج‌گانه بالا به‌طور مشخصی در رشد شهرنشینی کشورهای مختلف قابل مشاهده است. با این حال می‌توان گفت با توجه به شرایط زمانی و مکانی، هر یک سهم متفاوتی در کشورهای مختلف داشته‌اند. برای نمونه برای کشورهایی مانند لیبی، عربستان و قزاقستان، سهولت در خدمات‌رسانی با ایجاد نقاط کانونی و شهرنشینی گسترده می‌تواند سهم بیشتری نسبت به دیگر عوامل داشته باشد و یا برای ایران می‌توان سهم هر پنج عامل را تا حدی به‌صورت مساوی دید. بی‌برنامگی و بی‌توجهی بارز در مدیریت سیاسی فضای ملی بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده و عاملی مهم در عدم توازن ناحیه‌ای و منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب این عامل سهم بیشتری در توسعه شهرنشینی پرشتاب ایفا نمود. برای نمونه کنار گذاشتن بسیاری از برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای، طرح آمایش سرزمین، طرح جامع تهران، تمرکزگرایی و عدم تشکیل مدیریت یکپارچه شهری، عدم اجرای طرح مجموعه‌های شهری تهران و دیگر کلانشهرها و... از جمله نمونه‌های بی‌برنامگی در مدیریت سیاسی فضای کشور است.

۵- نتیجه‌گیری

شهری‌شدن، تحت‌تأثیر مسائلی چون ایدئولوژی اقتصادی حکومت‌ها به‌ویژه راهبرد کاپیتالیستی و لیبرالیسم و نئولیبرالیسم اقتصادی، تقسیم جهانی کار، مناسبات جهانی، نفوذ کشورهای استعمارگر از طریق تلقین شهری‌سازی به‌منظور ایجاد شهرهای انبوه و صنایع وابسته و مونتاژ و وابستگی به مراکز قدرت جهانی و... به‌وجود آمد؛ اما بیش از آن، تحت‌تأثیر مسائل داخلی کشورهاست. ناتوانی در ارائه خدمات سراسری و محدودیت در منابع مالی، ناامنی و مسائل هویتی، عدم تدوین استراتژی‌های ملی متناسب با ساختارهای جغرافیایی کشورها، نبود آمایش



سرزمینی، تلاش کشورها برای تسلط بر مسائل داخلی و ایجاد تمرکز و...، از جمله مسائل داخلی کشورهاست. لذا حکومت‌ها نقش بنیادین در شهری‌سازی نظام مدیریت سیاسی فضای ملی خود داشته‌اند؛ هرچند نباید از نقش تحولات اجتماعی - اقتصادی در کشورها غافل بود، اما آن‌ها هم تحت تأثیر استراتژی حکومت‌هاست. خواست حکومت‌ها در شهری‌سازی جمعیت ساکن در فضای جغرافیایی کشور، به منظور دستیابی به اهداف حاکمیتی است. دلایلی چون جهانی‌شدن، رشد اقتصادی، آموزش، تمرکز امکانات، بی‌توجهی به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی از عوامل مهم تأثیرگذار در فرایند شهری شدن هستند. «نظریه دولت، شهرنشینی متمرکز و بقا»، خروجی پایانی در این مقاله است نقش دولت را به واسطه عواملی چون سهولت در خدمات رسانی، بزرگ‌تر کردن اندازه دولت، ایجاد وابستگی مرکز - پیرامونی، بقا و امنیت ملی و بی‌تدبیری و بی‌برنامگی در مدیریت سیاسی فضای ملی، برجسته می‌داند. همچنین بر پایه مطالب ارائه شده در مقاله، برخی از راهکارهایی که از دیدگاه کلان مدیریت سیاسی فضای ملی در رابطه با استراتژی نظام سکونتگاهی فضای جغرافیایی ایران می‌توان ارائه داد، به شرح زیر است:

- ۱) حفظ و کنترل رشد شتابان شهرنشینی و منطبق کردن آن با مقتضیات محیطی و ظرفیت فضای جغرافیایی شهرهای کشور؛
- ۲) افزایش سهم جمعیت و جمعیت شهرنشین کشور در شهرهای کوچک و پراکنش جمعیت کشور در هسته‌های کوچک شهری در سراسر نظام سرزمینی؛
- ۳) افزایش فرهنگ شهرنشینی و تلاش برای بهبود شرایط استاندارد زندگی در شهرهای کوچک مقیاس به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار؛
- ۴) تدوین استراتژی شهر استاندارد، به‌ویژه شهرهای کوچک و نه ایجاد شهرک‌های جدید در حوالی شهرهای بزرگ؛
- ۵) توجه فوری به روستا و تلاش برای حفظ درصد جمعیت فعلی در روستاهای کشور؛
- ۶) ایجاد نسبت معقول و منطقی میان جمعیت روستانشین و شهرنشین کشور و استاندارد سازی آن؛
- ۷) پایداری جمعیت در همه پهنه سرزمینی؛
- ۸) ضعف‌های نهادی در نظام برنامه‌ریزی ایران و الزام در رفع موانع نهادی.

۶- قدردانی

نویسندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس و صندوق حمایت از فناوران و نوآوران معاونت علمی ریاست جمهوری، به دلیل پشتیبانی‌های مادی و معنوی در راستای انجام پروژه پست دکتری که مقاله حاضر نیز برگرفته از آن است، تشکر می‌نمایند. همچنین از داوران محرمانه مقاله که نظرات اصلاحی و مفیدی داده‌اند قدردانی می‌شود.

۷- منابع

- آری آگا، ادوارد. (۱۳۷۸). *روش‌های تحلیل جمعیت*، ترجمه فاروق امین مظفری، تبریز: احرار.
- ابراهیم‌زاده، عیسی و یوسف نصیری. (۱۳۸۶). شهرنشینی شتابان؛ روندها و پیامدها، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۳۷-۲۳۸، صص ۲۳۲-۲۴۲.
- او برای، اس. آمار جیت. (۱۳۷۰). *جمعیت، شهرنشینی و توسعه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ایمانی‌شاملو، جواد، مجتبی رفیعیان و هاشم داداش‌پور. (۱۳۹۵). سوداگری شهری و واگرایی فضایی؛ تحلیل تحولات فضایی کلانشهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت)، *فصلنامه علمی - پژوهشی ژئوپلیتیک*، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۱۰۴-۱۳۵.
- ایمانی، جواد و مجتبی رفیعیان. (۱۳۹۵). قدرت و بازتعریف نظریه برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا). *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۵، شماره ۸۰.
- بردی‌آنامراد نژاد، رحیم. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برنامه‌ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در ایران، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۹۳-۱۱۲.
- پورافکاری، نصرالله و دیگران. (۱۳۸۱). توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۳۹-۴۰، صص ۱-۳۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۸). توسعه برون‌زا و شهر، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۳۰.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۰). دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی (مکتب اقتصاد سیاسی فضا)، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۳ و ۴.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.



- جواهری پور، مهرداد و بابک داورپناه. (۱۳۸۱). سکونتگاه‌های ناپایدار اقشار کم‌درآمد شهری، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، فصلنامه سازمان عمران و بهسازی شهر، شماره هشتم.
- حاتم‌زاده، حسین و ناصر عبدی. (۱۳۸۶). اقتصاد سیاسی و فضای شهری، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری. (۱۳۶۳). شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه.
- حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران: سمت.
- حسینی، سید احمد و دیگران. (۱۳۹۴). نظارت بر پویایی شهرنشینی در ایران معاصر با استفاده از تصاویر چند زمانه DMSP/OLS، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره بیست و چهارم، شماره ۹۶، صص ۲۱-۳۷.
- حیدری، حسن و فیروز عبدالعلی‌زاده. (۱۳۹۵). رابطه بین توسعه آموزش، رشد اقتصادی، شهرنشینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۷۷-۹۸.
- رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران: مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پیش شماره پاییز، صص ۱۴۳-۱۶۵.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۸). با شهر و منطقه در ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- شکویی، حسین. (۱۳۹۰). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: سمت.
- شکیبایی، علی‌رضا، محمدرضا احمدی‌نژاد، زهرا کمال‌الدینی و فاطمه طالقانی. (۱۳۹۴). تأثیر شهرنشینی و سرریزهای آن بر توزیع درآمد استان‌های ایران با رهیافت اقتصادسنجی فضایی، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، شماره ۳، صص ۱-۲۶.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۱). بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا - شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۶، شماره ۲، صص ۴۱-۶۱.
- عزیزی، محمدمهدی، اسفندیار زبردست و مهدی برنافر. (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل و اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری استان گیلان (۱۳۹۵-۱۳۳۵)، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۸۷-۲۱۸.

- عظیمی، ناصر. (۱۳۸۱). پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری، تهران: نیکا.
- علی‌اکبری، اسماعیل. (۱۳۸۳). توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، صص ۴۹-۶۹.
- فرهنگ‌دوست، محمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه شهرنشینی و رشد اقتصادی در ایران، مجله مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال اول، شماره ۴، صص ۸۱-۹۱.
- قربانی، زهرا. (۱۳۹۰). الگوهای شهرنشینی در ایران و جهان، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۸-۷۷، صص ۷۹-۹۴.
- کامروا، مهران. (۱۳۷۳). بحران شهرنشینی در ایران، مجله کلک آذر، شماره ۵۷، صص ۵۴-۶۱.
- کلارک، جان. ای. (۱۳۸۳). اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، ترجمه و نگارش مسعود مهدوی، تهران: قومس.
- گل‌خندان، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). جهانی‌شدن و اندازه دولت در ایران: با معرفی شاخص جدید جهانی شدن KOF، مجله اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۵-۳۸.
- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر. (۱۳۷۵). شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری تهران.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر. (۱۳۷۴). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- منوچهری میاندوآبی، ایوب و محمدتقی رهنمایی. (۱۳۹۸). تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران مورد: شهر تهران، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۳، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۶.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سیدیحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرآبادی، مصطفی، صادق بشارتی‌فر و احمد کریمی. (۱۳۹۷). تحلیلی بر الگوی فضایی، ابعاد و عوامل مرتبط با رشد شهرنشینی دوره معاصر در ایران (با تأکید بر شاخ‌های توسعه‌ای و معیشتی)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۶، شماره ۳، صص ۶۰۵-۶۲۷.
- نظریان، اصغر. (۱۳۹۰). جغرافیای شهری ایران، تهران: پیام‌نور.



- نقدی، اسدالله. (۱۳۸۱). تحولات شهر و شهرنشینی در ایران، نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، صص ۳۲۱-۳۳۹.
- نوابخش، مهرداد و سروش فتحی. (۱۳۸۶). رشد و توسعه شهرنشینی در ایران با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱-۱۲.
- هاگت، پیتر. (۱۳۷۹). *جغرافیا ترکیبی نو*، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: سمت.
- Bodo, Tombari. (2019). Rapid Urbanisation: Theories, Causes, Consequences and Coping Strategies, *Annals of Geographical Studies*, Volume 2, Issue 3, PP 32-45.
- Braun, Von Joachim. (2014). Urbanization and Decentralization: The changing urban-rural linkages and opportunities of decentralization of services, Paper for 54th European regional Science Association Congress (ERSA), St. Petersburg, Aug. 26-29, 2014 on "Regional development & globalization: Best practices.
- Chen, Mingxing, Hua Zhang, Weidong Liu and Wenzhong Zhang. (2014). The Global Pattern of Urbanization and Economic Growth: Evidence from the Last Three Decades, *Plos one*, Volume 9, Issue 8, Pages 1- 15. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0103799>
- Fhang Lo, Daniel Yet. (2007). Urbanization and Economic Growth: Testing for Causality, 16th Annual Pacific Rim Real Estate Conference, January 24th – 27th 2010 Wellington, New Zealand, http://www.prrs.net/Proceedings/..%5CPapers%5CLo_Urbanization_Economic_Growth_Testing_Causality.pdf
- Gries, Thomas and Rainer Grundmann. (2015). Fertility and Modernization: The Role of Urbanization in Developing Countries, *Journal of International Development*, Volume30, Issue3, Pages 493-506, <https://doi.org/10.1002/jid.3104>.
- Gumus, Erdal. (2004). Crime in urban areas: An empirical investigation, [file:///C:/Users/Abolfazl/Downloads/Crime in Urban Areas An Empirical Investigation.pdf](file:///C:/Users/Abolfazl/Downloads/Crime%20in%20Urban%20Areas%20An%20Empirical%20Investigation.pdf)

- Gupta, K. (2000). An Inquiry in to Determinants of Size in Developing Countries and Related Issues of Socioeconomic Development, State University New York at Stony Brook.
- Jetter, Michael and Parmeter, C. F. (2012). Country Size and Government Size: A Reassessment, Working Paper, 1-33.
- Jetter, Michael and Christopher F. Parmeter. (2018). Does Urbanization Mean Bigger Governments? The Scandinavian Journal of Economics, Volume120, Issue4, October 2018, Pages 1202-1228.
- Jusoh, Hamzah, and Azmizam Abdul Rashid. (2008). Efficiency in Urban Governance towards sustainability and competitiveness of city: A Case Study of Kuala Lumpur. World Academy of Science, Engineering and Technology, International Journal of Social, Education, Economics and Management Engineering Vol. 2 (4), Pages 443- 456.
<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.193.5844&rep=rep1&type=pdf>
- Harris, N. (1988). Urbanization: an economic overview of some of the issues. Habitat International, Volume 12, Issue 3, Pages 103-120.
- Henderson, Vernon. (2003). The urbanization process and economic growth: The so-what question. Journal of Economic Growth, N 8, Pages 47-71.
- Hope, K. R. (1998). Urbanization and urban growth in Africa. Journal of Asian and African Studies 33: Pages 345-358.
- <https://mapchart.net/>
- <https://population.un.org/wpp/>
- Kaida, Y. (1992). Integrated rural development and land use. In Proceeding of International Symposium: Rural Land Use in Asian Countries, October 7-8, 1992, Japan National Committee for Rural Planning, Pages 220-221.
- Konuk, Nukhet, N. Gamze Turan and Yuksel Ardali. (2016). The Importance of Urbanization in Education, The Eurasia Proceedings of Educational & Social Sciences (EPESS), Volume 5, Pages 232-236.



- Kugelman, Michael. (2013). Urbanisation in Pakistan: causes and consequences, Noref Expert Analysis, Pages 1- 7, <https://www.files.ethz.ch/isn/159296/4c5b5fa0ebc5684da2b9f244090593bc.pdf>
- Nguyen, Ha Minh and Le Dang Nguyen. (2018). The relationship between urbanization and economic growth: An empirical study on ASEAN countries, International Journal of Social Economics, Volume 45 Issue 2.
- Mayhew, S. (1997). Oxford Dictionary of Geography (2nd edition). Oxford/New York: Oxford University Press.
- Mazumdar, Dipak. (1987). Rural-urban migration in Developing Countries, Handbook of Regional and Urban Economics, Volume 2, 1987, Pages 1097-1128.
- McDonnell, M.J. and Pickett, S.T.A. (1990). Ecosystem structure and function along urban- rural gradients: An unexploited opportunity for ecology. Ecology 71, Pages 1232–1236.
- Meng X, Shen K, Xue S. (2013). Economic Reform, Education Expansion, and Earnings Inequality for Urban Males in China, 1988–2009. Journal of Comparative Economics. Volume 41, Issue 1, February 2013, Pages 227-244.
- Ozden, Kemal and Chigozie Enwere. (2012). Urbanization and its Political Challenges in Developing Countries, Eurasian Journal of Business and Economics 2012, 5 (10), Pages 99-120.
- Pacione, Michael. (2009). Urban Geography, A Global Perspective, London and New York: Routledge.
- Pugh, C. (1995). Urbanization in developing countries: an overview of the economic and policy issues in the 1990s. Cities 12: Pages 381–398.
- Schuffar, A. (2008). Regional Income Inequality and Urbanization Trends in China: 1978-2005. Région et Développement, 28, Pages 88-110.
- Shabu, T. (2010). The Relationship between Urbanization and Economic Development in Developing Countries, International Journal of Economic Development Research and Investment, 1(2- 3), 30-36.

- Singh, R.B. (2015). Urban Development Challenges, Risk and Resilience in Asian Mega Cities, Tokyo: Springer.
- Sonntag, H. R. (2001). Dependency Theory, in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, <https://www.sciencedirect.com/topics/economics-econometrics-and-finance/dependency-theory>.
- United Nations. (2019). World Urbanization Prospects: The 2018 Revision, Department of Economic and Social Affairs, New York, <https://population.un.org/wup/Publications/Files/WUP2018-Report.pdf>
- Whalley J, Xin X. (2010). China's FDI and non-FDI economies and the sustainability of future high Chinese growth. China Economic Review 21: Pages 123–135.
- Yeh, Anthony Gar-On. (2002). Urban form and density in sustainable development. Centre of Urban Planning and Environmental Management, The University of Hong Kong, Pages 1-8, <https://www.urbandensity.org/sites/default/files/Yeh%202002.pdf>
- Zhao, Yabo and Shaojian Wang. (2015). The Relationship between Urbanization, Economic Growth and Energy Consumption in China: An Econometric Perspective Analysis, Sustainability, 7 May 2015, Pages 5609-5627, doi:10.3390/su7055609.